



رامبد جوان؛ یکی مثل میثاقی، مثل رضوانی

سجاد فیروزی: «و» مثل «وریا». حرف و حدیثی در این نیست که وقتی پای تلویزیون در میان باشد و برنامه‌ای به اسم «خندوانه»، «و»، «وریا» نوشته شود ولی در چشم برهم‌زدنی «وحید» خوانده شود؛ آن‌هم با یک «کیمیاگری» ناشیانه. طوری که گویی از همان روزهای نخست، «وریا» برای تلویزیون ممنوع بوده و «آگاهی و هوشیاری»‌ای که همراه این اسم کردی است، به مذاق عده‌ای خوش نیامده و نمی‌آید.

گفتن و نوشتن از وریا غفوری، بازیکن سابق تیم ملی ایران و حالا، کاپیتان سابق استقلال، فقط محدود به مستطیل سبز نمی‌شود. او چند سالی است در قالب و فرم دیگری هم تعریف می‌شود؛ قالبی که پیش‌تر علی دایی و علی کریمی در آن گنجانده شده‌اند. وریا پذیرفته در کنار رسالتی که در فوتبال دارد، کنار مردم می‌ماند. ترسیده که زبان سرخ، سر سبزش را به باد دهد. وریا صدای اعتراض به خیلی از اتفاقات ناخوشایند سیاسی و اجتماعی بوده که سایر بازیکنان فوتبال ترجیح داده‌اند در قبالش سکوت کنند. از اعتراض به آتش‌سوزی در مدرسه دخترانه‌ای در زاهدان گرفته تا بالارفتن نرخ ارز و سکه، ابلاغ حکم «افساد فی‌الارض» علیه پنج فعال محیط زیست، تیراندازی به کولبران، اظهارات محمدجواد ظریف و البته داستان ساقط‌کردن هواپیمای اوکراینی.

او هرگز واهمه این را نداشته که شاید این‌ حرف‌ها به حرفه‌اش در فوتبال و قرارداد‌های آن‌چنانی لطمه بزند. شاید مدام نزد خودش تکرار کرده که اگر چند صفر هم از قراردادش کسر شود، باز ارزشش را ندارد که بی خیال مردم و دغدغه‌هایشان شود. وریا که این روزها دوگانگی‌ها درباره دلایل بود و نبودش در استقلال بی‌داد می‌کند، یقیناً مشغول پس‌دادن «تاوان» است؛ تاوانی که برگرفته از واکنش‌ها و نوشته‌های اینستاگرامی و البته گفت‌وگوهای رسانه‌ای‌اش است. خروج از استقلال و عدم تمدید قرارداد او با این باشگاه دولتی، خیلی‌ها را به یقین رسانده که این بازیکن را جریان بیرون از فوتبال، از این تیم پرهودار رانده است. شایعاتی که می‌گویند حرف‌های او دیگر فراتر از یک بازیکن ساده فوتبال است و دارد دردرس می‌شود. آخرین اظهارنظرش هم جنجال جدیدی در فضای رسانه‌ای در پی داشت. او در اهواز و پس

از دیدار تیم‌های استقلال و فولاد در لیگ برتر؛ دیداری که منجر به مسجل‌شدن قهرمانی استقلال شد، در مواجهه با این پرسشش که فکر می‌کند این قهرمانی باعث خوشحالی بخشی از مردم می‌شود یا نه گفت: «هر زمانی که من درباره مسائل اجتماعی و مدنی صحبت می‌کنم، برای من فوتبال در اولویت نیست. جایگاهی که قرار گرفته‌ام، باید از آن استفاده کنم. هواداران ما با هزاران بدبختی بلیت را تهیه می‌کنند و ما را تشویق می‌کنند، در نتیجه ما باید زبان آنها باشیم. زمانی که می‌بینم و فکر می‌کنم، همیشه بغض کلویم را می‌گیرد. واقعا ناراحت می‌شوم و کاری از دست آدم برنمی‌آید. من نمی‌دانم مسئولان شرمنده نمی‌شوند که این موقعیت‌ها را می‌بینند؟ من می‌دانم که الان در اهواز خیلی درگیری‌ها و مشکلات وجود دارد و خیلی‌ها اعتراض کرده‌اند ولی امیدوارم به بهترین شکل جمع شود و مردم ما بتوانند چیزی که لایق آن هستند، به آن شکل زندگی کنند. عمر ما کوتاه است و باید سعادتمند زندگی کنیم. این حق مردم ایران است که سعادتمند زندگی کنند».

حرف‌های وریا به‌شدت در فضای مجازی سروصدا کرد و به همان سرعت، تیغ تیز سانسور در شبکه سه علیه او شد. برنامه فوتبال برتر که محمدحسین میثاقی آن را اجرا می‌کرد، عکس کاپیتان استقلال را حذف کرد تا مشخص شود تلویزیون نمی‌خواهد اسمی از وریا یا تصویری از او پخش شود. اعتراض‌ها به آن برنامه و چنین اقدامی آن‌قدر زیاد شد که اندکی بعد همان برنامه مجبور شد دوباره تصویر وریا را نشان دهد، ولی مسئله هویداتر از چیزی بود که کتمان شود؛ میثاقی دستوری که به او داده شده بود را اجرا کرد و از چشم‌انهایی که حرف وریا را حق می‌دانستند، افتاد.

وریا ماه گذشته مورد بی‌مهری قرار گرفت، از استقلال رانده شد و این روزها به‌تنهایی مشغول تمرین است، ولی همین وریا‌ی بی‌تیم هم ظاهرا هنوز برای تلویزیون دردرس دارد. این‌بار اسم او به طرز عجیبی در برنامه «خندوانه» که رامبد جوان اجرایش می‌کند، سانسور و پاک شد! ماجرا مربوط به فینال مسابقه «قاتی‌بازی» بود؛ جایی که در بخش «اسم و فامیل»، کامران تفتی که گفته می‌شود خودش یکی از طرفداران

استقلال است، برای اسم پسرانه با «و»، وریا را نوشت ولی جالب اینکه وقتی رامبد جوان قرار شد آن اسم را بخواند، وریا با خطی غیر از خط کامران تفتی، تبدیل شده بود به «وحید»! حال می‌توان گفت فرق رامبد جوان که مدعی است باید شادی را میهمان خانه‌ها کرد با میثاقی چیست؟ او هم تن به اتفاق ناخوشایندی داده که تesh ماندن در قاب تلویزیون به هر قیمتی است. به‌راستی چه چیز «وریا» برای تلویزیون خطرناک است که حتی اسمش هم باید سانسور شود؟ چه چیز این اسم یکی مثل رامبد جوان را بر آن می‌دارد تا این‌طور ببندارد که «و» می‌تواند هر اسمی باشد، الا وریا؟ مجری‌ای که پیش از این به اندازه کافی اسیر نقدهای مختلف شده، حتی درباره دستمزدی که از برنامه مذکور هم می‌گیرد روایت‌های متعددی به گوش می‌رسد، به هر قیمتی ماندن در مدار تلویزیون را به ماندن در تیم مردمی که وریا را از خودش‌ان می‌دانند، ترجیح داده است. با این اوصاف رامبد جوان هم با این کار دست‌کمی از محمدحسین میثاقی، کسی که از شانه‌های عادل فردوسی‌پور بالا رفت و بعد به استادش پشت کرد، ندارد. اتفاقا کاری که رامبد کرد، شبیه همان کاری است که علی رضوانی، خبرنگار ۲۰۰۳۰ با وریا غفوری کرد؛ ۲۰۰۳۰ در تلاش بود تا وریا را به سرخه بگیرد و رامبد هم وریا را سانسور کرد.

داستان ۲۰۰۳۰ با وریا غفوری هم حتی با گذر زمان هنوز از ذهن‌ها پاک نشده است؛ سال ۱۳۹۸ بود که کاپیتان استقلال علیه صداوسیما موضع جدی‌تری گرفت. داستان مربوط به سبلی بود که فروردین ۱۳۹۸ بیشتر نواحی ایران را درگیر کرد و بعد هم برنامه‌ای که در آن لوگوی باشگاه استقلال به سرخه گرفته شد. در مورد اول، وریا غفوری در اینستاگرام با کنایه به نبودن استاندار کستان در ایران در آن شرایط بحرانی، از صداوسیما هم انتقاد کرد که پوششش ضعیفی از این رخداد مهم داشته است. در مورد دوم اما انتقاد‌های او تندتر شد؛ وریا از اینکه مجری جوان در شبکه سه به لوگوی باشگاه استقلال کنایه زده و مسخره کرده است، واکنش تندی داشت. «صداوسیما سازمانی است که مدت‌هاست مخاطبانش را از دست داده و شاهد حضور افرادی هستیم که هنوز از نظر شعور و درک به بلوغ نرسیده‌اند؛ چه برسد که بتوانند در



جایگاه مجری برنامه‌ای را درخور شان مردم ایران اداره کند. توهین مجری صداوسیما به پرافتخارترین تیم ایرانی به شان و منزلت این باشگاه بزرگ و پرتفردار کوچک‌ترین خدشه‌ای وارد نمی‌کند، بلکه وضعیت صداوسیما را ... کرد. لازم به ذکر است ندادن حق پخش تلویزیونی که از بدیهی‌ترین حقوق باشگاه‌های فوتبال ایران است، ضربه‌ای بزرگ به پیکره فوتبال از جانب صداوسیما زده است». همه این موارد به کنار، اما جبهه‌گرفتن صداوسیما علیه وریا غفوری، کاپیتان استقلال، زمانی جدی‌تر شد که او به مرگ سحر خدایاری، (دختر آبی) واکنش نشان داد. وریا پیش از یکی از بازی‌های لیگ با تیشرتی که رویش نوشته بود «دختر آبی» وارد زمین شد و تعدادی از رسانه‌ها هم با به‌راه‌انداختن جوی علیه او از این اتفاق خبر دادند که همین بازیکن بقیه بازیکنان را «وادار» کرده چنین تیشرتی بپوشند. آن تصاویر هرگز از صداوسیما پخش نشد و بعد از آن موضع‌گیری علیه وریا جدی‌تر شد. بازتاب ناراضاتی مسافران هواپیمای تبریز- تهران که در آن «ظاهر» مسافران از دست بازیکنان استقلال شاکی بوده و فحاشی کرده‌اند از سوی تلویزیون هم به این دلخوری‌ها دامن زد. اندکی بعد وریا غفوری در صحبت‌های پس از بازی‌اش در میکسدزون، اختلافش با صداوسیما را علنی کرد؛ او خطاب به دوربین صداوسیما گفت: «دوربین تلویزیون است؟ خاموشش کن!» پخش‌شدن آن اعتراض، پای ۲۰۰۳۰ و علی رضوانی را به صحنه باز کرد. آنها در کلیبی به معرفی ورزشکاران ناشناخته‌ای پرداختند که با وجود افتخار، به آنها بهایی داده نشده است. رضوانی هم با کنایه به صحبت‌های وریا غفوری گفت: «بعضی‌ها برای اینکه اخبار همین تبعیضات و اتفاقات و خیلی موارد دیگر فوتبال به گوش مردم نرسد، راه دیگری را ترجیح می‌دهند. (پخش صحبت‌های وریا غفوری که گفت تلویزیون را خاموش کن)» بعد، رضوانی با لحنی تمسخرآمیز نسبت به صحبت‌های وریا گفت: «حالا چه کنیم با این غم».

حال با مرور همین چند روایت کوتاه، مشخص است که تلاش برای نادیده‌گرفتن وریا غفوری با سرعت بیشتری در تلویزیون فراگیر شده است؛ از رضوانی چندسال پیش گرفته تا میثاقی و رامبد جوان امسال!

عده‌ای می‌گویند دیدن فوتبال وقت تلف‌کردن است و دیدن این‌همه آدم به دنبال یک توپ عین بیهودگی و حتی دیوانگی است. این افراد سوا‌ی اینکه خودفریبی می‌کنند از اهمیت موضوع غافل‌اند. اگر چرخش توپ فوتبال بیهوده است، پس چرخش توپ زمین و کل هستی نیز بیهوده است. و اگر فوتبال شور و هیجانی پوچ و عبث است، شاید همان‌طور که سارتر هم می‌گفت خود زندگی هم شور و هیجانی پوچ و بیهوده باشد. ظاهر قضیه خیلی ساده و به نظر پیش‌پاافتاده است؛ اما کار دشوار و هنرمندانه کشیدن معانی عالی از دل چیزهای ساده و پیش‌پاافتاده‌ای مثل خوردن توپ به تیر دروازه، آفساید، خطا، پالتی و... است؛ این هنری است که صدر در آن استاد بود.

ورزش مقوله کوچکی نیست. اگر منصف باشیم ورزش ما تا حدود زیادی دارد جور علم، فلسفه، ادبیات و خلاصه همه عرصه‌های فرهنگی ما را می‌کشد و به‌جز چند استثنا، افتخارآفرینی‌ها بیشتر در عرصه ورزش ما روی داده است. نام شاعران، نویسندگان و هنرمندان ما به اندازه نام ورزشکاران‌مان بلند نیست و نگویی که ورزش مربوط به مقوله زور و بنیه بدنی است؛ چراکه ورزش امروز بیشتر مبتنی بر هوش و خلاقیت است تا قدرت و توان بدنی. صدر به‌خوبی این را فهمیده بود.

خیلی دوست داشت تا جام جهانی قطر (۲۰۲۲) زنده بماند اما فرشته مرگ گوشش به این حرف‌ها بدهکار نیست و کار خودش را می‌کند. با شروع مسابقات، همه ما ج‌ای او را خالی می‌کنیم؛ مسلما دلمان برای دیدن آن چهره صمیمی، نگاه مهربان، صدای رسا و گیرا، ریش انبوه و بور، دست تکان‌دادن‌ها و حرص‌وجوش خوردن‌هایش تنگ می‌شود. کسی چه می‌داند شاید در دور‌دست‌ها با کالبدی برزخی با ما بازی‌ها را ببیند! شاید ذهن همه ما را هم بتواند بخواند و حتی نتیجه را نیز از قبل بداند؛ اما با همان شور و شوق، مثل یک بازی زنده و مستقیم به تماشای آن بنشیند. عاقبت روزی مرگ گریبان همه را می‌گیرد، مهم کارنامه‌ای است که بر جای می‌گذاریم و به نظرم حمیدرضا صدر کارنامه خوبی داشت و شاگرد اول کلاس زندگی بود، زندگی و حیاتی که خود او آن را با فوتبال برابر می‌دانست؛ با این تفاوت که اگر زندگی هم برود، فوتبال هنوز باقی است. و یاد این مرد فوتبالی سرزمین ما همیشه در خاطر نسل‌ها جاویدان و ابدی است.

✽مترجم و مدرس دانشگاه

اخبار برگزیده

توضیح رامبد جوان و محمد بحرانی در پی حذف اسم وریا

در پی پخش فیلم قسمتی از برنامه «خندوانه» در فضای مجازی، رامبد جوان - مجری - در ویدئویی علت را توضیح داد. او گفت: «شامگاه پنجشنبه در برنامه خندوانه اسم وریا عزیز توسط کامران تفتی نوشته شد و همان‌جا من به شک افتادم که اگر قرار باشد در پخش دچار اشکال شود و مجوز پخش نگیرد، امتیازدهی‌های‌مان هم در مسابقه بر هم می‌ریزد و خود مسابقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین همان‌جا با مشورت خود شرکت‌کنندگان و تیم سازنده به این نتیجه رسیدیم که نام وریا‌ی عزیز را پاک کنیم و یک نام دیگر بنویسیم که حداقل مسابقه دچار اشکال نشود؛ و‌گرنه وریا و همه فوتبالیست‌ها عزیز ما هستند و ما هیچ قصد توهین و بی‌حرمتی به هیچ‌کس را نداریم. همین‌جا از خود وریا و طرفدارانش عذر می‌خواهیم».

همچنین محمد بحرانی، صداییشه «جناب خان» پیرو همین اتفاق در برنامه «خندوانه» متنی در صفحه شخصی‌اش منتشر کرد. او نوشت: «اتفاقی که دیشب در برنامه خندوانه افتاد اتفاق بسیار ناخوشایندی بود. این اتفاق ناخوشایند به عقیده من حتما شایسته یک عذرخواهی است. هرچند بنده در هنگام ضبط بخش مسابقه در برنامه دیشب حاضر نبودم که اگر حاضر می‌بودم، حتما ری‌اکشن نشان می‌دادم. در هر حال به خاطر اتفاق رخ‌داده هرچند عملا نقشی در آن نداشتیم، به سهم خودم، تمام‌قد و صمیمانه از جناب آقای وریا غفوری و همچنین تمام شما بینندگان عزیز عذرخواهی می‌کنم. متشکرم. در ضمن ضبط خندوانه دو، سه روز پیش به پایان رسیده؛ بنابراین ما عملا امکان عذرخواهی در خود برنامه را نداریم».

انتقام سخت بسکتبال ایران از قزاقستان

تیم ملی بسکتبال ایران در دومین بازی خود از رقابت‌های کاپ آسیا ۲۰۲۲، مقابل قزاقستان به پیروزی قاطع دست یافت. به گزارش ایسنا، تیم ملی بسکتبال ایران در دومین بازی خود از رقابت‌های کاپ آسیا ۲۰۲۲ اندونزی، صبح دیروز (جمعه) ۲۴ تیر ۱۴۰۱ به مصاف قزاقستان رفت که در پایان با حساب ۹۶ - ۶۰ حریف خود را ۳۶ با امتیاز اختلاف شکست داد تا انتقام دو باخت مقابل قزاق‌ها در انتخابی جام جهانی ۲۰۲۳ را بگیرد. با این برد تیم ملی ایران در آخرین بازی دور گروهی خود باید برای کسب عنوان صدرنشینی به مصاف ژاپن برود. ترکیب ایران:حامد حدادی (کاپیتان)، بهنام یخچالی، ارسلان کاظمی، محمد جمشیدی و سجاد مشایخی

ترکیب قزاقستان: رستم مورزاگالیف (کاپیتان)، ماکسیم مارچوک، اولک بالاشوف، دیمیتری گاورلیف و رابرت بن نیمه اول: ایران ۴۲-۳۳ قزاقستان

ایران با درخشش جمشیدی و یخچالی در ابتدای کار ۵-۱۱ از حریف پیش افتاد تا قزاق‌ها وادار به تقاضای وقت استراحت شوند. یخچالی چهار دقیقه مانده به پایان کوارتر نخست، سومین پرتاب سه امتیازی موفق خود را وارد سبد قزاق‌ها کرد تا ایران ۲۱-۱۰ پیش ببقند. فشار تمام زمین قزاق‌ها حملات ایران را کنترل کرد تا اختلاف ۱۱۱امتیازی را به سه امتیاز کاهش دهند. کوارتر نخست ۲۷-۲۴ به سود ایران پایان یافت.

با شروع کوارتر دوم عملکرد ایران در دفاع بهتر شد و درخشش حدادی اختلاف را افزایش داد تا نتیجه ۳۸-۲۶ به سود شاگردان ارمنغانی شود. در ادامه با حضور حسن‌زاده و زنگنه، ایران رو به دفاع نفر به نفر آورد تا شوتیست‌های قزاقستان را کنترل کند که در این امر موفق بود. کوارتر دوم نیز نهایتا ۱۵-۹ به سود ایران پایان یافت.

نیمه دوم: ایران ۹۶- قزاقستان ۶۰

در این نیمه ایران دفاع پرفشار تمام زمین را انجام داد تا حملات قزاق‌ها یکی پس از دیگری خراب شود. درحالی‌که درخشش کاظمی ایران را ۵۹ - ۳۶ پیش انداخت، «کیسلف» سرمربی قزاق‌ها وادار به تقاضای وقت استراحت شد. دفاع و ضد حملات ایران در این نیمه اختلاف را به ۲۵ امتیاز رساند تا ارمنغانی بازیکنانی چون مظفری، رضایی‌فر و پذیرفته را جایگزین نفرات اصلی چون یخچالی، مشایخی و جمشیدی کند.

حدادی نیز اوایل کوارتر سه با افزایش اختلاف جای خود را به زنگنه داد. این کوارتر ۲۸-۹ به سود ایران پایان یافت تا نتیجه ۷۰ - ۴۲ شود.

در ادامه محمد یوسف‌فوند جایگزین زنگنه شد. در دقایق پایانی این بازی که قزاق‌ها ۹۲ - ۵۶ عقب بودند، از نظر روحی به هم ریخته و خطاهای غیرورزشی متعددی را انجام دادند. کوارتر چهارم نهایتا با برتری ۲۶-۱۸ ایران به پایان رسید. ایران در سومین و آخرین بازی دور مقدماتی ساعت ۱۵:۰۰ روز یکشنبه به مصاف ژاپن می‌رود تا تیم برنده به‌عنوان صدرنشین مستقیما راهی مرحله یک‌چهارم نهایی شود.

حمیدرضا بسحاق: جوان‌تر که بودم نقد فیلم زیاد می‌خواندم. آن روزها خواندن

«مجله فیلم» حکم دیدن یک فیلم در سینماهای هالیوود یا دیدن یک نمایش در برادوی را داشت. نام حمیدرضا صدر برای همه خوانندگان نشریات سینمایی نامی آشنا بود. من هیچ‌وقت نقدهای پرمعز، آتشین، بی‌غرض و منصفانه او را از دست نمی‌دادم. روزی اتفاقی او را در تلویزیون دیدم. بی‌آنکه او را شناخته باشم، مجدوب کلامش شدم. انگار او را سال‌ها می‌شناختم. بعد که نامش زیرنویس شد، خیلی تعجب نکردم. او سبک و سیاق خاص خودش را داشت و شبیه هیچ‌کس نبود. شگفتی من از این بابت بود که فردی بتواند فوتبال را به همان خوبی سینما این‌قدر خوب تفسیر و واکاوی کند. شنیدن حرف‌های او شاید به اندازه خود فوتبال جذابیت داشت. فردی که به نظرم یکی از بهترین منتقدان تاریخ سینمای ایران و حتی دنیا بود، اکنون در هیئت کارشناس فوتبال ظاهر شده بود و تسلط او بر دنیای پر رمز و راز فوتبال کمتر از دانش سینمایی‌اش نبود. قلم خیلی خوبی داشت، کلمات او بیشتر حس می‌شدند تا فهم؛ چون با احساس و با تمام وجود می‌نوشت و آنچه می‌نوشت قبلا در او درونی شده بود.

وقتی رفت خیلی دوست داشتم چند سطری به یادش بنویسم؛ اما اغراض مستحبه دنیا من را از نوشتن بازداشت و اکنون در سال‌مرگ او این مهم تحقق یافته است تا شاید خلا آرزوی دیداری را که هرگز برآورده نشد تاحدودی پر کند.

اما چه چیز یک معلم و پژوهشگر فلسفه را وامی‌دارد تا درباره مردی مانند صدر بنویسد. شاید از همه مهم‌تر درس‌هایی است که از خود او گرفته‌ام؛ از او آموختم که هیچ وقت گذشته‌ام را فراموش نکنم، نقاب نزنم و آنچه هستم، بنامیم. آخر من قبل از آنکه دانشگاه بروم و ردای پر یکبکه فلسفه را بر دوش بپفکنم، در کوچه‌ها فوتبال بازی کرده‌ام، زمین خورده‌ام، روی سسکوها نشسته‌ام و با برد و باخت تیم محبوبم شادان و نالان شده‌ام. من نمی‌توانم بخش اعظمی از منویات و محتویات ناخودآگاهم را نادیده بگیرم یا سرکوب کنم؛ یعنی نباید مثل آدم عصا قورت‌داده از کلاس درس بیرون بیایم، سیخ و سیخ راه بروم، اطرافم را نینیم و طوری وانمود کنم که دیگران نفهمند عجله من برای رفتن به خانه دیدن یک بازی فوتبال است. جامعه امروزی ما افرادی مثل صدر را کم دارد. او یک روشنفکر به معنای دقیق کلمه بود. برخلاف خیلی از همتایان خود بعد از فراغت از تحصیل به ایران برگشت. مردی با خصوصیات او به‌راحتی می‌توانست در غرب جایی برای خودش باز کند و زندگی راحت و آسوده‌ای داشته باشد. در ایران هم با مدرک پرکاربرد و ارزشمندی که داشت می‌توانست به‌راحتی در جایی استخدام شود و برای خودش برو و بیایی داشته باشد؛ اما راه دشوار خدمت به خلق را با همه



مصائب و دردسرهایش به جان خرید. به‌جای آنکه در برج‌های عاجی ذهنش بخزد و مثل خیلی‌ها غرق در انتزاعیات و دنیای قصه‌های شاه پریان شود، دل به دریای زندگی زد و به‌جای متن با خود جهان واقعی روبه‌رو شد؛ به اهمیت هنر (به‌ویژه سینما) و ورزش (به‌خصوص فوتبال) به‌خوبی پی برد و به سراغ مقولاتی رفت که بیشترین پیوند را با خود زندگی دارند و حتی می‌توان گفت بعد از مرگ هم ما را رها نمی‌کنند. برای به تصویر کشیدن زندگی چه چیز با سینما و فوتبال برابری می‌کند. صدر به‌خوبی فهمید که فوتبال مانند هر ورزش دیگری می‌تواند ابزاری برای انتقال و حتی تثبیت ارزش‌های اخلاقی و معنوی باشد؛ آخر چه چیز مثل فوتبال می‌تواند همه را این‌طور گرد هم آورد و فرصتی برای تحقق اهداف عالی‌تر و نیایی بزرگ‌تر فراهم آورد. باری، او دست روی نبض جامعه گذاشت و با ضربان آن مدام بالا و پایین می‌شد. از افلاطون این درس را گرفت که وقتی از زنجیرها و بندها رهایی یافت و بیرون غار رفت دوباره به درون غار بازگردد و به فکر رهایی اهل مغاره از زندان غار باشد.



سازمان لیگ فوتبال ایران

برگزار می کند:

مزایده عمومی

انتخاب مجری تبلیغات محیطی

مسابقات لیگ برتر فوتبال باشگاهی ایران



سازمان لیگ فوتبال ایران

سازمان لیگ فوتبال ایران از تمامی شرکت های معتبر و یا اشخاص حقیقی با تجربه، توانمند و علاقه مند به همکاری با سازمان لیگ فوتبال در این خصوص دعوت به عمل می آورد مستندات خود را ارسال نمایند.

شرح کامل:

www.iranleague.ir